

دکتر بروس والتکه، مزامیر، سخنرانی ۲۲

بروس والتکه و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر بروس والتکه و آموزه‌های او در مورد کتاب مزامیر هستم. این جلسه شماره ۲۲، رویکرد عبادی، مزبور تاجگذاری، مزبور ۱۱۰ است.

پروردگارا، ما آموخته‌ایم که نمی‌توانیم بی‌اجبار وارد حضور تو شویم، بلکه باید به شیوه‌ای که مورد رضایت توست، در چارچوب ساختارهای عهد تو وارد شویم.

شکرت که نه تنها ما را در راه زندگی هدایت می‌کنی، بلکه با قدرت روح القدس، به ما قدرت می‌دهی تا آنطور که تو به ما آموخته‌ای زندگی کنیم. ما به خودمان متکی نیستیم.

ما همانطور که پروردگارمان به ما آموخته دعا می‌کنیم، ما را به سوی وسوسه هدایت نکن، زیرا ما به ضعف خود واقفیم و بدون لطف تو نمی‌توانیم از عهده آن برآییم. ما به تو نیاز داریم. ما به خودی خود قوی نیستیم.

پس، از تو به خاطر توانایی‌ات سپاسگزارم. از تو به خاطر پاکی‌ات سپاسگزارم. از تو سپاسگزارم که ما را به قومی مقدس تبدیل می‌کنی، چه با خون و آب و چه با کلام و روح. به نام مسیح، آمین.

بسیار خوب، ما به رویکرد عبادی به مزامیر پرداخته‌ایم که در آن بررسی کرده‌ایم که اساساً به جای واژه استفاده می‌کنیم و به جلوه‌های بیرونی دین پرداخته‌ایم. ما نحوه عملکرد فرقه و cultus عبادی از واژه جنبه‌های مختلف فرقه را بررسی کرده‌ایم.

دیدهایم که چگونه مزامیر به عنوان لیبرتویی برای آیینی سروده شده‌اند که موسی به ما شخصیت‌های مقدس، نهادهای مقدس و فصول مقدس بخشید و مکانی مقدس را به عنوان مکان مقدس در نظر گرفت. داوود همه اینها را به اپرا تبدیل کرده بود. بنابراین مزامیر لیبرتویی بودند که با آیینی که موسی به مردم داده بود، همراه بودند.

مزامیر نیز به موسیقی تبدیل شدند. معبد بسیار باشکوه‌تر از چادر بود. بنابراین واقعاً می‌گویم که داوود مانند موتسارت بود و مراسم را به شیوه‌ای باشکوه و باشکوه برای ستایش خدا و در واقع تحت الهام خدا به اپرا تبدیل کرد.

و سپس یک الگو وجود داشته است. ما یک یا دو مزبور را برای نشان دادن رویکرد آیینی انتخاب کرده‌ایم. من مزامیر تاجگذاری و آیین تاجگذاری را انتخاب کرده‌ام که در آن پادشاه به عنوان پادشاه خدا بر کوه صهیون منصوب می‌شود.

و ساعت گذشته، به مزبور ۲ نگاهی انداختیم، جایی که او پادشاه خود را بر کوه صهیون، که نمادی از بهشت بود، منصوب می‌کند. در مزبور ۱۱۰، علاوه بر این، پادشاه را داریم که در دست راست خدا نشسته است. بنابراین، در یادداشت‌های شما، شماره صفحه را ندارم، اما در صفحه ۲۸۴، به مزبور ۱۱۰ می‌پردازیم که یکی دیگر از مزبورهای تاجگذاری است.

من با اشاره به نحوه عملکرد آن در عهد جدید شروع می‌کنم. این یک مزمور بسیار مهم است، شاید مهمترین مزمور در عهد جدید. سه نقل قول کامل از یک آیه از مزمور ۱۱۰ وجود دارد، که کل مزمور مورد نظر در عهد جدید است.

و بنابراین، برای مثال، اولین مورد زمانی است که عیسی توسط فریسیان و صدوقیان آزمایش می‌شود. و سپس او آنها را با مزمور ۱۱۰ آزمایش می‌کند. فکر می‌کنم زمینه‌ی متی ۲۲ را به خاطر دارید، که فریسیانی که از روم متنفر بودند، هیرودیانی را که تسلیم روم شده بودند با خود آوردند تا عیسی را به دام بیندازند.

و از او این سوال را پرسیدند که آیا دادن مالیات امپراتوری به قیصر درست است؟ و این یک تله است زیرا هر کسی که عیسی به آن پاسخ دهد، بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرد. اگر بگوید بله، اگر بگوید نه، پرداخت مالیات به قیصر درست نیست، فریسیان هیرودیانی را همراه خود می‌آورند زیرا در آن صورت آنها عیسی را به روم گزارش می‌دهند و او را به خیانت متهم می‌کنند زیرا از پرداخت مالیات به قیصر خودداری کرده است، در نتیجه رومیان او را طرد می‌کنند. از سوی دیگر، اگر بگوید بله، باید به قیصر مالیات بدهید، فریسیان او را در مقابل مردم متهم می‌کنند که به ملت وفادار نیست، که خود را تسلیم روم می‌کند، که آنها می‌خواستند یوغ را از دوش او بردارند.

و بنابراین، مردم او را رد می‌کردند. بنابراین هر کاری که عیسی انجام می‌دهد اشتباه است. و عیسی گفت: سکه را نزد من بیاورید.

و او گفت، آنچه از قیصر است، یعنی سکه را به قیصر بدهید، و آنچه از خداست، یعنی قلب یا بدن خود را که به صورت خداست، به خدا بدهید. سپس او توسط صدوقیان آزمایش شد و آنها از او در مورد رستاخیز سؤال کردند. آنها به رستاخیز اعتقاد ندارند.

بنابراین، آنها این داستان را در مورد زنی دارند که هفت مرد برادر داشت و همه آنها به ترتیب می‌میرند. و یک زن به ترتیب با این هفت مرد، این هفت برادر، ازدواج می‌کند. و سوال در قیامت این است که او همسر کیست؟ و عیسی می‌گوید که در قیامت، ما مانند فرشتگان خواهیم بود.

ما نه ازدواج می‌کنیم و نه شوهر می‌دهیم. و سپس او برمی‌گردد و می‌گوید، صدوقیان فقط تورات را پذیرفتند. و بقیه عهد عتیق را نه. استدلال او باید از عهد عتیق بیرون بیاید.

بنابراین او خیلی هوشمندانه می‌گوید، خدا گفت، من خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب هستم. و عیسی می‌گوید که او خدای مردگان نیست. او خدای زندگان است، و بنابراین می‌تواند استدلال کند که ابراهیم، اسحاق و یعقوب هنوز زنده بوده‌اند.

سپس فقیه می‌آید تا عیسی را امتحان کند. بزرگترین حکم چیست؟ و عیسی دو حکم به ما می‌دهد: خدا را با تمام قلب و همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش. اما سپس عیسی نظرش را عوض می‌کند.

و او از آنها این سوال را پرسید که مسیح پسر کیست؟ و آنها حاضر بودند مسیح انسانی را بپذیرند، اما نه مسیح الهی، یک انسان-خدا. و سپس او پرسید که او پسر کیست؟ و آنها گفتند، پسر داوود. اما سپس عیسی آنها را تحت فشار قرار داد.

پس داوود، بزرگترین پادشاه، چگونه به پروردگارش گفت؟ داوود چگونه به پروردگارش گفت؟ او می‌گوید خداوند به پروردگار من گفت، و داوود سخن می‌گوید. داوود بزرگترین اسرائیل است. و با این حال، یکی بزرگتر از داوود وجود دارد.

و عیسی استدلال می‌کند که کسی بزرگتر از داوود فقط پسر داوود نیست. او پسر خداست. و این داستان، برای مسیح‌شناسی، یعنی شناسایی مسیح به عنوان پسر خدا، و اینکه او چیزی بیش از یک انسان است، بسیار اساسی است.

او خدای مجسم است. و بنابراین این داستان هم در متی، هم در مرقس و هم در لوقا تکرار می‌شود. این داستان دوباره در همان خطبه اول، همراه با مزمور ۲، نقل شده است. و در خطبه بزرگ پطرس می‌بینید که او برای توضیح پدیده پنطیکاست به عروج رفت.

او می‌گوید که به آسمان صعود کرد و در دست راست جلال در اعلی نشست. و از آن مقام، روح خود را بر کلیسای خود ریخت که کلیسا را قادر ساخت تا به طور جهانی گسترش یابد. بنابراین، دوباره، متن کاملی در همان خطبه اول ذکر شده است.

و البته، در کتاب مقدس عبری آمده است که پس از آنکه او گناهان را پاک کرد، در دست راست جلال در اعلی نشست. او با میراث فراوان خود، نامی والاتر از فرشتگان، در دست راست جلال در اعلی نشست. و سپس، برای کدام یک از فرشتگان گفت: تو پسر من هستی، امروز تو را به دنیا آورده‌ام؟

بنابراین، راست عبرانیان این دو مزمور را با اشاره به پروردگار ما عیسی مسیح در کنار هم قرار می‌دهد. و البته، عبرانیان واقعاً کل ایده مزمور ۱۱۰ و آیه چهارم را توسعه می‌دهد، جایی که خدا به او می‌گوید، تو کاهنی مانند فرقه هستی، مانند ملک‌یصديق. و بنابراین، شما یک استدلال کامل از فصل هفتم عبرانیان دارید تا نشان دهید که چگونه عیسی مانند ملک‌یصديق است.

بنابراین، این مزمور، این عبارت است که عیسی در دست راست خدا نشسته است و او مانند ملک‌یصديق است. این الهیات در مزمور ۱۱۰ گنجانده شده و در عهد جدید منتشر شده است. در واقع، این مزمور شامل آیات کاملی است که سه تا پنج بار به آنها استناد شده است.

و سپس ۲۵ اشاره به مزمور در عهد جدید بیش از هر مزمور دیگری وجود دارد. بنابراین، این برای مسیح‌شناسی عهد جدید بسیار مهم است. همچنین یافت می‌شود، و من همچنین توجه را به مرقس ۱۴ جلب می‌کنم، زمانی که او در حضور کاهن اعظم محاکمه می‌شود.

و در پایین صفحه ۲۸۴، به نقل از مرقس ۱۴:۶۱ تا ۶۴، کاهن اعظم از عیسی پرسید، آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟ که عیسی پاسخ داد، من هستم. و پسر انسان را خواهید دید که در دست راست قدرت نشسته و با ابرهای آسمان می‌آید. کاهن اعظم در پاسخ به این اعتراف، اضافه می‌کند که شما کفر او را شنیده‌اید که خود را پسر خدا می‌نامد و خود را با خدا برابر می‌کند.

و بنابراین اعتراف این مزمور مستقیماً به مصلوب شدن منجر می‌شود. در صفحه ۲۸۵، من به بخش‌هایی از رساله‌ها، هم از پولس و هم از نویسندگان عبرانیان و همچنین از پطرس، استناد می‌کنم. ما قبلاً به اهمیت مزمور و یکی از سه مزمور که نویسندگان عبرانیان استدلال خود را در آن بنا می‌کنند و مسیح‌شناسی او درباره مسیح بر اساس این مزمور است، اشاره کرده‌ایم.

در رساله پولس، ما آن را به عنوان بخشی از اعترافات اولیه کلیسا می‌خوانیم که رومیان ۸ احتمالاً سرودی اولیه در ستایش شفاعت مداوم و حاضر مسیح در دست راست خدا بوده است. و پولس می‌گوید که او در دست راست خدا برای ما شفاعت می‌کند. اول، کولسیان ۳:۱، احتمالاً یک فرمول غسل تعمید است که بر هویت آسمانی کسانی که در مرگ مسیح سهیم هستند، تأمل می‌کند.

پولس می گوید، از آن زمان که با مسیح برخیزانیده شده‌اید، دل خود را به چیزهای بالاتر، جایی که مسیح در دست راست خدا نشسته است، بسپارید. و باز هم، در افسسیان او را پرستش کنید و پادشاهی جهانی مسیح قیام کرده را فریاد بزنید، کسی که در دست راست خدا نشسته است، زمانی که مسیح را از مردگان برخیزانید، و او را در دست راست در قلمروهای آسمانی، بسیار فراتر از هرگونه حکومت و اقتدار، نشانند. بنابراین، می‌توانید کل این الهیات را ببینید که خدا، اینکه عیسی به آسمان صعود کرد و در دست راست خدا نشست، برای مسیح‌شناسی عهد جدید بسیار مهم است.

در اول پطرس ۳:۲۲، احتمالاً دوباره زمینه‌ای برای غسل تعمید برای کسانی که به مسیح قیام کرده اعتماد دارند، که همانطور که او درباره او و تعمیدیافتگان می‌گوید، به بهشت رفته و در دست راست خدا با فرشتگان، مقامات و قدرت‌هایی است که مطیع او هستند. در کلیسا، این مزمورنویس نقش مهمی ایفا کرد همه ما این را از اعتقادنامه رسولان و از اعتقادنامه‌های نیقیه می‌دانیم، هر دو، اعتقادنامه رسولان، هفتمین اعتراف مبنی بر اینکه او به آسمان صعود کرد و در دست راست خدا نشسته است.

و اکثر ما هر یکشنبه، یکی از اعترافات را از بر می‌خوانیم، بسیاری از ما این کار را انجام می‌دهیم. و همه آنها به ضرب این سکه در مزمور ۱۱۰ برمی‌گردند. اغلب در تاریخ کلیسا برای یکشنبه عروج و غیره استفاده می‌شود.

بنابراین نکته‌ای که اینجا مطرح می‌کنم این است که این مزمور، چه در انجیل‌ها، چه در رساله‌ها و چه در طول تاریخ کلیسا، بسیار مهم بوده است. حالا می‌خواهیم به خود مزمور نگاهی بیندازیم. و اول از همه، به مطلب بعدی، صفحه ۲۸۶، می‌رویم.

بیاوید مزمور را ترجمه کنیم. در اینجا اهمیت متن بالانویس، یعنی مزمور داوود و کل چیزی که داوود به کسی می‌گوید که او پروردگار اوست، را می‌بینیم. و چه کسی می‌تواند پروردگار داوود باشد، که به این معنی است که داوود بنده اوست.

همه بنده پادشاه هستند. اما این پادشاه، داوود، بنده کسی بسیار بزرگتر از خود است، که مسیح، خداوند عیسی مسیح است. بنابراین، او می‌گوید، خداوند به خداوند من می‌گوید، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو بیندازم.

خداوند عصای تو را از صهیون می‌فرستد، عصای قدرتمند تو را. و او احتمالاً می‌گوید، در میان دشمنانت حکومت کن. پایان نقل قول.

قوم تو در روز قدرت تو، آزادانه خود را تقدیم خواهند کرد. در جامه‌های مقدس از رحم صبح، شب‌نم جوانیات از آن تو خواهد بود. خداوند سوگند یاد کرده و نظر خود را تغییر نخواهد داد.

شما تا ابد کاهن هستید. من فکر می‌کنم این باید مانند ملکیصدق ترجمه شود: خداوند در دست راست توست.

او در روز غضب خود پادشاهان را خرد خواهد کرد. او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد و آنها را از اجساد پر خواهد کرد. او سر را بر تمام زمین یا سرها یا بزرگان را بر تمام زمین خرد خواهد کرد.

او از نهر کنار جاده خواهد نوشید ، بنابراین سر خود را بالا خواهد گرفت . اما در مورد نحوه معرفی از نظر شکل، بدیهی است که ما با شعر سر و کار داریم و شعر پر از تصویر است . بنابراین، ارتش خدا به شب‌نم صبحگاهی تشبیه شده است .

پیروزی پادشاه به پیروزی او تشبیه شده است، و استقامت او به نوشیدن آب از وادی در طول مسیر تشبیه شده است . بنابراین، این داستان پر از این نوع تصاویر است . پر از توازی است

و از نظر فرم، این یک مزمور است . با همراهی سازهای زهی خوانده می‌شود . و در واقع، این یک پیشگویی است .

و اغلب از موسیقی برای الهام بخشیدن به یک کلام نبوی استفاده می‌شد . و به نظر می‌رسد که زمینه، صحنه را به یک مراسم تاجگذاری تشبیه می‌کند . وقتی خدا به پادشاه خود می‌گوید، در دست راست من بنشین

و اگر به پادشاه تاریخی نگاه کنیم، زمانی است که او در دست راست خدا نشسته بود . من بیشتر در مورد آن صحبت خواهم کرد، چرا او در آن سطح در دست راست خود نشسته بود . و سپس این تصویری از عروج مسیح است .

و او در مقام مرجعی است که زمین را داوری خواهد کرد و در دست راست خداست . این یک آیین تاجگذاری است که از اشعار تاجگذاری آشوری نیز پشتیبانی می‌شود . در اینجا من به رساله دکترای جان هیلبرز، که قبلاً در دالاس تدریس می‌کرد، پایان‌نامه دکترای خود را در کمبریج انجام داد و آن را پیشگویی فرقه‌ای در مزمور نامید، استناد می‌کنم .

او مزمور ۱۱۰ را با این اشعار نبوی مربوط به تاجگذاری پادشاه آشور مقایسه می‌کند . و او عمدتاً با متونی از زمان اسرحدون حدود ۶۷۵ قبل از میلاد سروکار دارد . در اینجا به برخی از شباهت‌های بین آنها اشاره می‌کنیم .

هر دو با یک فرمول مقدماتی مانند آنچه در آیه اول داریم، آغاز می‌شوند : خداوند به پروردگار من می‌گوید، و اینگونه است که این آیین‌های تاجگذاری آشوری آغاز می‌شوند . ثانیاً، آنها به دو بخش با یک پیشگویی فرعی تقسیم می‌شوند . بنابراین در این مزمور نیز خداوند دو بار صحبت می‌کند، ابتدا در آیه اول، خداوند به پروردگار من می‌گوید، در دست راست من بنشین تا دشمنانت را زیر پای تو بیندازم .

و سپس نیمه دوم مزمور در آیه چهارم، خداوند قسم خورده است و نظر خود را تغییر نخواهد داد . و دوباره، خدا این بار اضافه می‌کند که نه تنها پادشاه در دست راست خدا نشسته است و همه دشمنان را پای‌انداز خود خواهد کرد، بلکه شما برای همیشه کاهنانی مانند ملک‌یصداق هستید . بنابراین، مانند مراسم تاجگذاری انبیای سلطنتی آشوری ، ما یک تقسیم‌بندی به دو بخش داریم .

یکی از مشکلاتی که در مزمور داریم، تغییر گویندگان است . این همان چیزی است که به گفته هیلبرز در مراسم تاجگذاری آشوری اتفاق می‌افتد . تغییر گویندگان وجود دارد .

بنابراین، برای مثال، در این مزمور، خداوند در آیه اول می‌گوید : «در دست راست من بنشین» ، اما سپس در آیه دوم، داوود سخن می‌گوید، پیامبر سخن می‌گوید . خداوند عصای قدرتمند تو را از صهیون می‌فرستد . بنابراین، خدا در آیه اول صحبت می‌کند و پیامبر یا داوود در آیات دوم و سوم صحبت می‌کند .

در آیه چهارم، خدا دوباره صحبت می‌کند. و به او می‌گوید، شما برای همیشه کاهنان هستید، مانند ملک‌یصدق، پایان نقل قول، که در آن پیامبر خطاب به پادشاه می‌گوید، خداوند در دست راست توست. بنابراین، این خداست که در آیه چهارم با پادشاه صحبت می‌کند.

و سپس این پیامبر است که در آیات پنجم تا هفتم با پادشاه صحبت می‌کند. بنابراین در آیه اول، خدا با پادشاه صحبت می‌کند، و در دو یا سه، پیامبر با پادشاه صحبت می‌کند. در آیه چهارم، خدا با پادشاه صحبت می‌کند، و در آیات پنجم تا هفتم، پیامبر با پادشاه صحبت می‌کند.

و نه تنها تغییر گویندگان، بلکه تغییر مخاطبان را نیز داریم. بنابراین، برای مثال، وقتی او، در آیات پنج تا هفت، در پاسخ پیامبر می‌گوید که شما کاهنانی مانند ملک‌یصدق هستید، ما پیامبر را داریم که همانطور که در آیات دو و سه انجام داد، پادشاه را خطاب قرار می‌دهد. خداوند در دست راست توست.

او در روز غضب خود پادشاهان را خرد خواهد کرد. اما اکنون او درباره پادشاه صحبت می‌کند و با جماعت سخن می‌گوید. او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد.

و او نه با پادشاه، بلکه درباره پادشاه صحبت می‌کند. و بنابراین شما این نوع تغییر را از خطاب به پادشاه به خطاب به جماعت دارید. به گفته هیلبرز، دقیقاً همین مورد را در مراسم تاجگذاری آشوری دارید، جایی که سخنرانان تغییر می‌کنند.

اگر این کار را در یک مراسم معبد انجام می‌دهید، به صورت ضد و نقیض انجام می‌شد. و گویندگان مختلفی حضور داشتند. من این نکته را در مزمور ۲ مطرح نکردم، اما احتمالاً گویندگان مختلفی در مزمور ۲ حضور داشته‌اند. کسی نماینده ملت‌ها بود.

وقتی گفتند یوغ او را از ما دور کنید، کسی از طرف خدا صحبت می‌کند، احتمالاً کاهن. من پادشاهم را متوقف کرده‌ام. سپس پادشاه در آیات هفت تا نه صحبت می‌کند، و سپس خود مزمورنویس صحبت می‌کند.

بنابراین احتمالاً آنتی‌فونال است. و شما تغییر گوینده‌ها را با تغییر صداها از کسی که نماینده ملت‌ها است کاهن نماینده خدا، پادشاه نماینده خودش، و سپس مزمورنویس دوباره ملت‌ها را خطاب قرار می‌دهد، درک می‌کردید. بنابراین، من می‌فهمم که این کسی است که نماینده خداست، احتمالاً کاهن این را می‌گفت، در دست راست من بنشین و تو کاهنی مانند ملک‌یصدق خواهی بود. و سپس خود پیامبر را داشتید که با جماعت صحبت می‌کرد. بروس، آیا از تاریخچه پشت خواندن واکنشی و اینکه آیا بازتاب مدرنی از مزامیر آنتی‌فونال است، آگاه هستی؟ اوه، و مدرن بودن واقعی است؟ خواندن واکنشی مدرن وقتی که به عقب و جلو می‌رویم.

در موردش چطور؟ آیا این کار برای تقلید از مزامیر ضد آوا انجام شده یا شما از آن مطلع هستید؟ من اطلاعی ندارم. منظورم این است که از آنجایی که هیچ پیشینه‌ای برای این ضمائر وجود ندارد، به نظر من محتمل‌ترین حالت این است که حتماً تغییری در صداها رخ داده تا این تغییرات را نشان دهد. در غیر این صورت، پیشینه‌ی «تو» و «او» و «غیره» اصلاً داده نشده است.

این فقط به جورایی فرض شده است. و فکر می‌کنم اگر تغییر صدا وجود نداشته باشد، گوش دادن سخت خواهد بود. بنابراین، فکر می‌کنم چیزی که من و اکثر افراد دیگر استنباط می‌کنیم این است که این تضاد وجود دارد و این نشان می‌دهد که بخشی از یک مراسم مذهبی بوده است.

DI اگر آنتی فونال باشد، این مستلزم مشارکت جماعت است. باز هم، در سالنامه‌های آشوری، این در شماره است که برای مشروعیت بخشیدن به تحقق بین الوهیت و پادشاه، شهر، نه دست راست خدا، مطرح شده است. و باز هم، دشمنان در پای او خواهند بود.

این در متون آشوری نیز وجود دارد، وعده نابودی دشمنان، همانطور که انتظار می‌رود در متون آشوری نیز آمده است. وعده سلطه جهانی موازی با پیشگویی‌های آشوری است. حضور پشتیبانی وفادار، مردم شما در روز قدرت شما، مشتاق خواهند بود، مزمور ۱۱۰.۳. وعده الهی همراه با انکار دروغ، خداوند قسم خورده است که توبه نخواهد کرد.

تأکید بر مسئولیت کاهنی و ابدی بودن امتیازات سلطنتی مبنی بر اینکه شما برای همیشه کاهن خواهید بود همه اینها در مراسم تاجگذاری و پیشگویی‌های آشوریان نیز مشابهت دارد. آیا می‌توانیم او را زندانی کنیم؟ این علامت اوست و اشکالی ندارد.

باشه. ببخشید، داشتم بهت تیکه می‌انداختم. باشه.

بسیار خوب. حالا سعی کردیم پیشینه‌ی شکل مزمور را نشان دهیم. درباره‌ی اهمیت مزمور در عهد جدید صحبت کردیم.

سپس مزمور را ترجمه کردیم. درباره شکلی که یک آیین تاجگذاری است، شبیه به پیشگویی تاجگذاری در مراسم تاجگذاری پادشاه آشوری، که همه اینها آشکارا مربوط به قبل از تبعید است، صحبت کردیم. اکنون می‌خواهم درباره بلاغت مزمور و نحوه ساختار یا طرح کلی منطقی آن صحبت کنم.

این تقسیم‌بندی بین سخن خدا و سپس تأمل پیامبر در مورد آن گفتار به دو بخش تقسیم می‌شود. شما مقدمه‌ای بر وحی الهی دارید، خداوند فرموده است، و سپس وحی الهی را دارید، در دست راست من بنشین. سپس تأمل نبوی در مورد آن را دارید و اینکه او قرار است در میان دشمنانش حکومت کند و قومش در روز قدرت او را غلب خواهند بود.

سپس مقدمه‌ای برای نقل قول بعدی دارید، خداوند قسم خورده است که نظرش را تغییر نخواهد داد. سپس این جمله را دارید که شما برای همیشه پس از ایلات-ملکی‌صدق کاهن هستید. و سپس فتوحات و پیروزی‌های پادشاه را که در پی می‌آید، دارید.

بنابراین آنها هستند، این چیزی است که ما آن را توازی متناوب می‌نامیم. سپس در هر دو نیمه، مقدمه‌ای بر استناد الهی داریم، پیشگویی برای پروردگار داوود. خداوند به پروردگار من می‌گوید، پس شما استناد الهی به خداوند مسیح را دارید، بر تخت بنشینید تا زمانی که دشمنانتان را زیر پایتان بگذارم.

سپس، ما بازتاب نبوی آن نقل قول الهی را داریم که خطاب به خداوند یا مسیح است که خداوند جنگ مقدس را آغاز می‌کند. خداوند عصای قدرتمند تو را از صهیون خواهد گشود. سپس پادشاه می‌گوید، در میان دشمنانت حکومت کن، و مسیح خداوند یا سربازانش روزی که قدرت خود را آشکار کند، حاضر به جنگ خواهند بود.

بنابراین، او می‌گوید، سربازان تو در روز نبرد، خود را آزادانه تقدیم خواهند کرد، آراسته به شکوه و جلال مقدس. جوانان تو مانند شب‌نم از رحم صبح به سوی تو خواهند آمد. باز هم بند دوم، مقدمه‌ای بر نقل قول، سوگندی برگشت‌ناپذیر، خداوند سوگند یاد کرده است که نظر خود را تغییر نخواهد داد.

در این نقل قول الهی، شما برای همیشه کاهن هستید، مانند ملکیصدق. و سپس تأملاتی در مورد آن نقل قول، یعنی ابتدا او خداوند را خطاب قرار می‌دهد، اینکه خداوند در دست راست شماست. شاید همین الان

سپس او درباره پادشاه می‌گوید، او در روز غضب خود پادشاهان را در هم خواهد شکست. بنابراین، چه اتفاقی دارد می‌افتد، به جای اینکه مستقیماً پادشاه را مورد خطاب قرار دهد تا پادشاه را جسور کند و از نظر معنوی پادشاه را تقویت کند، درباره پادشاه صحبت می‌کند. و البته، پادشاه این را از دور می‌شنود.

و از طریق شنیدن آن، اگر بشنوید که دیگران درباره شما صحبت می‌کنند، این خود می‌تواند قدرت‌بخش باشد و فایده معنوی داشته باشد. بنابراین، در حالی که او در حال سخنرانی برای جماعت است، پادشاه آن را می‌شنود و از اعتراف قدرت معنوی دریافت می‌کند. بنابراین، به نظر من، آنها به نوعی کاملاً به هم نمی‌چسبند.

بنابراین، مسیح تمام زمین را داوری خواهد کرد. او در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد و آنها را با اجساد پر خواهد کرد. او رهبران را در سراسر زمین پهناور نابود خواهد کرد.

و سپس او پیروزی خود را به کمال خواهد رساند. او از نهر کناری خواهد نوشید، بنابراین، سرش را بالا خواهد گرفت. در سخنرانی بعدی در مورد فن خطابه صحبت خواهیم کرد، اما یکی از ساختارهای فن خطابه، ساختارهای متناوب است.

پرایم، انعکاس B پرایم، استناد A استناد، انعکاس، مقدمه، ABC بنابراین، می‌توانید ببینید که این یک مقدمه پرایم است. و می‌توانید ببینید که چگونه آنها با یکدیگر موازی هستند. و به نظر من، این واقعاً به درک C بهتر این مزمور کمک می‌کند.

همچنین جالب است که دو نیمه به قسمت‌های مساوی تقسیم می‌شوند. در متن عبری، ۷۴ کلمه در آیات اول تا سوم و ۷۴ کلمه در آیات چهارم تا هفتم وجود دارد. و این غیرمعمول نیست که چنین تقارنی در مزمور وجود داشته باشد، درست مانند مزمور ۲ که سه آیه، سه آیه، سه آیه داشت.

و تمام این نوع ساختار و تقارن برای نشان دادن این است که خدا خدای نظم است و او حاکم و کنترل کننده است. با نگاهی به بخش دوم، سپس توضیحات و متن بالانویس که توسط داوود نوشته شده است. و من معتقدم که این برای استدلال عیسی مبنی بر اینکه مسیح خداوند است بسیار مهم است زیرا این پادشاه است که او را خداوند خود می‌نامد.

و بنابراین، او بزرگتر از فقط پسر داوود است. آن داوود اینجا یک پیامبر است که آینده را پیشگویی می‌کند. او با پادشاه صحبت می‌کند، اما درباره کسی صحبت می‌کند که قرار است دوباره بر کل زمین حکومت کند.

بنابراین، او پیامبری است که آنچه را که در مسیح تحقق خواهد یافت و به کمال خواهد رسید، پیش‌بینی می‌کند. این امر امروز در رستاخیز و عروج او در حال تحقق است. و در آمدن دوباره مسیح، زمانی که او واقعاً جهان را داوری خواهد کرد، به کمال خواهد رسید.

کسانی که نویسندگی این اثر را از نسل داوود انکار می‌کنند، در مورد تاریخ آن به اجماع نمی‌رسند. اما، بسیار خوب، این یک مزمور است که ما خواندیم، و مانند بسیاری از پیشگویی‌ها، با موسیقی همراه است. بنابراین، در مقدمه‌ی نقل قول، دوباره نام خدا را داریم، این یهوه است، خدای ابدی.

، پس او آن کسی است که ابدی است، کسی که تغییرناپذیر است، جلال بر پدر، پسر و روح القدس باد همانطور که در ابتدا بود، اکنون هست و برای همیشه خواهد بود، ما اعتراف می‌کنیم. و من آن هستم که هستم، صفات غیرقابل انتقال است. یعنی هیچ کس مانند او نیست.

من همانم که هستم. و هیچ کس ابدی نیست. هیچ کس موجودی نیست که از چیزی مشتق نشده باشد.

او کاملاً از خودش وجود دارد. او خداست. و نه تنها قدرت مطلق و حضور مطلق و علم مطلق او، بلکه هیچ کس مانند او نیست که خدایی بخشنده مانند تو باشد، سرشار از لطف و رحمت، و همچنین عدالت او.

و وقتی گفته می‌شود، خداوند می‌گوید، در زبان عبری کلمات مختلفی برای صحبت کردن وجود دارد. اگر برای صحبت کردن واقعی استفاده می‌کنند. اگر منظور dibber منظور عمل صحبت کردن باشد، از کلمه استفاده می‌کنند ama محتوای آنچه که صحبت می‌شود باشد، از کلمه.

این به این چیزی که او گفته است اشاره دارد، عمل صحبت کردن، محتوای آنچه گفته شده است، سپس استفاده می‌کنید. این کلمه متفاوت است. این کلمه به معنای گفتار نبوی است ama شما از کلمه.

این کلمه معمولاً برای خدا استفاده می‌شود. و البته، تنها راهی که می‌توانیم بفهمیم خدا چه می‌گوید از طریق یک پیامبر است. بنابراین، کلمه «نثوم» در واقع به گفتار نبوی اشاره دارد.

کسی است که در روح صحبت می‌کند. عیسی باید این کلمه را اینگونه فهمیده باشد، زیرا به کسانی که سعی داشتند او را به دام بیندازند می‌گوید، پس چطور داوود در روح گفت؟ و او به دلیل کلمه «نعوم» می‌داند که در روح است که این را می‌گوید. این کلمه معمولی نیست.

این یک کلمه نبوی است. من آیات دیگری را برای شما می‌آورم که این کلمه در مورد پیامبران به کار رفته است. این کلمه برای بلعام وقتی که وحی خود را دریافت می‌کند استفاده شده است و برای داوود در مزبور و دوم سموئیل نیز به کار رفته است، فکر می‌کنم به جای دوم سموئیل ۲۳، باید دوم سموئیل ۲۲ باشد ۱۸.

و نویسندگان عبرانیان می‌گویند که داوود یک پیامبر بود، اما او یک پیامبر بود و می‌دانست که خدا به او سوگند داده است که یکی از فرزندان او را بر تخت سلطنت بنشانند. با اشاره به کلمه بعدی، او گفت: «به پروردگار»، یعنی داوود بنده اوست. او ارباب است.

او پروردگار همه است. در اینجا به خود این ارجاع می‌رسم و ارجاع به او قدرت حکومت کردن می‌دهد. به او اقتدار و قدرت حکومت کردن داده شده است.

و بنابراین، او می‌گوید، در دست راست من بنشین. نشستن، حالت اقتدار است. وقتی موسی تعلیم می‌داد می‌نشست.

وقتی مسیح تعلیم می‌داد، در موعظه بالای کوه می‌نشست. پاپ از جایگاه خود سخن می‌گوید. او از روی صندلی صحبت می‌کند.

صحبت می‌کنیم که به اختصار به معنای صندلی است، اما جایگاه مرجعیت، نشستن C ما در مورد اسقف است. و بنابراین او به پروردگار خود می‌گوید، در دست راست من بنشین. من تا حدودی به این موضوع

می‌پردازم زیرا از من خواسته شد که ترمپه لانگمن را معرفی کنم، زمانی که کرسی عهد عتیق در مدرسه الهیات وست‌مونت به او داده شد.

خب، من تعجب کردم که این ایده صندلی از کجا آمده است؟ خب، من کشف کردم که در قرن پانزدهم اولین اشاره به صندلی از استاد سلطنتی عهد عتیق آمده است. حالا دومین اشاره به صندلی برای استاد سلطنتی، استاد سلطنتی عهد عتیق در آکسفورد است. به او به معنای واقعی کلمه یک صندلی داده شده بود که روی آن می‌نشست.

بنابراین، او در آن کلاس درس اقتدار داشت زیرا روی صندلی می‌نشست. همچنین متوجه شدم که در خانه‌ی آن اشراف‌زاده، در واقع فقط یک صندلی وجود داشت و آن هم مخصوص آن اشراف‌زاده بود. بقیه‌ی افراد دور او روی چهارپایه می‌نشستند.

بنابراین، آنها در واقع به او یک صندلی دادند که روی آن می‌نشست و نماد اقتدار او بود. این چیزی است که در مورد آن صحبت می‌شود. می‌گوید، بنشین، که به معنای جایگاه اقتدار و حکومت است.

سپس او می‌گوید در سمت راست او، و من فکر می‌کنم از آنجایی که این یک معبد است، کپی از بهشت آنچه شما اینجا در مجموعه معبد دارید، مجموعه معبد در اطراف دیوار، یک دیوار در اطراف کل آن وجود داشت. شما معبد را رو به شرق و در سمت جنوب، در سمت راست، رواق عدالت قرار داشت. پادشاه بر تخت خود در رواق عدالت نشسته بود و قضاوت می‌کرد.

بنابراین، در معبد، شما ده فرمان و تابوت عهد را دارید که نمایانگر حکومت خدا بود. سپس در دست راست او، پادشاهی را دارید که عهد را اجرا می‌کرد، کسی که قوانین را اجرا می‌کرد. من دست راست را اینگونه می‌فهمم.

این به ما کمک می‌کند تا خود آسمان را درک کنیم، اینکه خدا کسی است که قانون را می‌دهد. عیسی کسی است که قانون و عدالت را تسریع، حمایت و اجرا می‌کند. بنابراین او کسی است که زمین را داوری خواهد کرد.

اینگونه است که من به بهترین شکل نشستن در دست راستم را درک می‌کنم، اینکه او داور همه است و زیر نظر خداست. برای این منظور، چند مثال می‌زنم که چرا این بالاترین مقام نشستن در دست راست است. به عنوان مثال، وقتی بتشیع نزد سلیمان می‌رود، می‌گوید، در دست راست من بنشین.

او بالاترین احترام را به او داد، اما با این حال باهوش‌تر از آن بود که به حرفش گوش دهد. بنابراین، اگرچه او بالاترین احترام را داشت، اما از خرد سلطنتی خود استفاده کرد و پشت نقشه ادونیا برای تصاحب تاج و تخت با خواستن ابیشاگ، صیغه داوود به عنوان همسر خود، آگاه شد. باز هم، در متی فصل 20، آیات 20 تا 24، مادر پسران زبدی، یعنی یعقوب و یوحنا، می‌خواست یکی در دست راست و دیگری در دست چپ او بنشیند.

این بالاترین مقام خواهد بود. عیسی گفت که این وظیفه پدر است که بدهد. اول از همه، شما باید مایل باشید جامی را که من نوشیدم، بنوشید، که جام تمایل به مردن برای دیگران است.

همه اینها جایگاه اقتدار نشستن در دست راست خدا را نشان می‌دهد. در دست راست، محل داوری و اجرای ده فرمان است. من در صفحه ۲۹۱ به شباهتی با مراسم تاجگذاری مصریان اشاره می‌کنم.

در مراسم تاجگذاری مصریان، دو بخش وجود داشت. دو تاجگذاری وجود داشت. یکی در معبد و دیگری در کاخ.

او را به کاخ بردند، جایی که بر تخت سلطنت نشست، جایی که به شیوه‌ای کمابیش تهدیدآمیز، آغاز حکومت خود را اعلام کرد. منظور از این عبارت، حکومت بر شهر و حکومت بر دولت، حکومت جهانی او بر شهر و بر کیهان، همین است. بنابراین، من آن را نمادی می‌دانم که در عروج خداوند ما عیسی مسیح به آسمان، جایی که امروز پسر انسان در دست راست خدا نشسته و پادشاهی به او داده شده است، تحقق یافته است.

او روح خود را جاری می‌کند و پادشاهی خود را برقرار می‌سازد. امروزه پادشاهی او جهانی است. تقریباً در هر زبانی، افرادی هستند که خداوند عیسی مسیح را می‌پرستند.

من فکر می‌کنم ما متوجه نیستیم که پادشاهی خدا چقدر عظیم است و او چه قدرتی دارد، چه می‌کند، به خصوص در جنوب شرقی آسیا. منظورم این است که به نظر من روح خدا به هر کجا که بخواهد حرکت خواهد کرد، اما به نظر من از اورشلیم و یهودیه و سامره شروع شده و سپس به روم و سپس به اروپا و شامل ایالات متحده می‌شود. اما امروز جنبش معنوی اصلی در جنوب شرقی آسیا است. در شرق است.

از کل انجیلی‌ها در جنوب شرقی آسیا هستند. تعداد انجیلی‌ها در جنوب شرقی آسیا بیشتر از کل اروپا ۶۰٪ و جهان انگلیسی زبان است. آنجا بسیار قدرتمند است.

چیزی که برای من جالب است این است که بسیاری از دانشجویان چینی ما در قلب خود می‌خواهند که انجیل را به اورشلیم و به یهودیان برگردانند. من فکر می‌کنم این تقریباً به پایان عصر نزدیک است. بنابراین همانطور که من فقط به تاریخ کلیسا و نحوه حرکت خدا نگاه می‌کنم، انجیل در سراسر زمین پخش شده است.

وقتی او در انگلیسی می‌گوید، تا زمانی که دشمنان را زیر پایت بگذارم، وقتی می‌گوییم تا زمانی که، منظور این است که آنگاه [این وضعیت] متوقف خواهد شد، اما منظور از تا زمانی که در عبری آمده این نیست. بلکه منظور این است که این یک وضعیت مداوم است. حتی پس از رسیدن به یک نقطه پایان، به سلطنت خود برای همیشه ادامه خواهد داد.

خدا می‌گوید تا زمانی که دشمنان را زیر پای شما نیندازم. به این ترتیب، در حالی که خدا از پادشاه برای تأسیس پادشاهی خود استفاده می‌کند، در نهایت، همانطور که در مزمور ۹۲ آمده است، اگر چهار کلمه مرکزی را به خاطر بیاورید، خداوند در بالا قرار دارد و پشت همه اینها خدای پدر است. این به معنای استفاده از الهیات عهد جدید است.

و من دشمنان شما را می‌سازم، دشمنان همان دشمنانی هستند که در مزمور ۲ آمده است. این دشمنان، کسانی هستند که با حکومت خدا مخالفند، کسانی که با ۱۰ فرمان مخالفند. و همانطور که اشاره کردم دیوان عالی ما، متأسفانه، اکثریت با ۱۰ فرمان مخالفند. شما می‌توانید ارتداد کشور ما را ببینید زیرا در سراسر دیوان عالی، ۱۰ فرمانی وجود دارد که آنها نقض می‌کنند و دیگر آنها را رعایت نمی‌کنند.

منظورم این است که این یک تغییر واضح و چشمگیر است. و در گوشه‌ای از دیوان عالی کشور، جایی که همه حقوقدانان به یک شخصیت مرکزی نگاه می‌کنند، اکثر کسانی که آن شمایل‌نگاری را در معبد تفسیر می‌کنند، آن را موسی و ده فرمان می‌دانند. بنابراین می‌توانید ارتداد کشور ما و مسیری که به آن می‌رویم را ببینید.

وقتی گفته می‌شود «زیرپای پایتان»، زیرپای در واقع بخشی از تخت بود. درست با تخت همراه بود. و چیزی که از زیرپای‌های مصر می‌توانیم ببینیم این است که روی زیرپای، سر دشمنان فرعون نقش بسته بود.

او پاهایش را به معنای واقعی کلمه روی سر آنها گذاشت، همانطور که در آنجا به تصویر کشیده شده بودند و آنها تحت حکومت او بودند. و این تصویری است که اینجا استفاده می‌شود که دشمنانش، گوی، روی چهارپایه نقاشی شده‌اند. و این حاکمی است که بر همه چیز حکومت می‌کند.

پولس در شعری می‌گوید. بنابراین، من در مورد زیرپای توکانامن، نمادی از اسیران خارجی، اظهار نظر می‌کنم، آنها با دستان خود در پشت سرشان به خاک افتاده‌اند. و به طور نمادین دشمنان او را به عنوان کسانی که از قبل بسته شده و زیر پاهای او هستند، به تصویر می‌کشد.

از دیدگاه پیروز، این به معنای تحقیر و قضاوت است. از دیدگاه قربانی، این به معنای شرم و تحقیر است. پولس در مورد مسیح می‌گوید، زیرا او باید سلطنت کند تا زمانی که همه دشمنانش را زیر پای خود قرار دهد.

آخرین دشمنی که باید نابود شود، مرگ است، اما او همه چیز را زیر پای او نهاده است. حال، وقتی گفته می‌شود همه چیز زیر پای او نهاده شده است، واضح است که او خود خدا را که همه چیز را زیر پای مسیح نهاده است، در نظر نمی‌گیرد. بنابراین، دشمن نهایی که او بر آن غلبه خواهد کرد، خود مرگ است.

در حالی که گور همه را در خود فرو می‌برد، پیروزی مسیح مرگ را در خود فرو می‌برد. و این از خود مرگ بزرگتر است. پولس در افسسیان می‌گوید: و خدا همه چیز را زیر پای او نهاد و او را مقرر کرد تا سر همه چیز برای کلیسا باشد، که بدن اوست، یعنی پری او که همه چیز را از هر نظر بر می‌کند.

بنابراین، ما به مقدمه نگاه کردیم، خداوند می‌گوید، ما به خود نقل قول نشستن در دست راست من تا زمانی که دشمنانت را زیر پای تو بگذارم، نگاه کردیم. و ما همانطور که به آرامی مزمور را مرور می‌کنیم، در مورد هر کلمه اظهار نظر کرده‌ایم. حالا به خود نقل قول می‌رسیم، منظوم تأملات در مورد نقل قول‌ها است.

حالا پیامبر صحبت می‌کند و می‌گوید، به ترجمه‌ی صفحه‌ی ۲۸۶ برمی‌گردیم، باید آن را پیش من داشته باشید. و حالا پیامبر صحبت می‌کند، خداوند از صهیون، عصای قدرتمند تو را می‌فرستد. و او از خداوند نقل قول می‌کند، در میان دشمنانت حکومت کن.

عصا همان گرز است که نشان و نماد اقتدار بود. و قدرتمند است. در جای دیگری از مزمور ۲ آمده است که از آن به عنوان عصایی آهنین یاد شده که شکستی نیست.

و او می‌گوید، بفرست و تصویر این است که او قرار است سلطه خود را در دایره‌های رو به گسترش گسترش دهد تا تمام زمین را در بر بگیرد، همانطور که ما او را می‌شناسیم. و صهیون در حزقیال ۳۸ به عنوان مرکز زمین تصور و گفته می‌شود که از آنجا این پادشاهی تا اقصای نقاط زمین گسترش می‌یابد. و به او گفته شده است که حکومت کند، یعنی او باید این جنگ مقدس را آغاز کند و مردم را مطیع انجیل آزادی کند، قانون آزادی که مردم را از گناه و مرگ آزاد می‌کند و برای آنها رستگاری به ارمغان می‌آورد.

امروز، من می‌گویم که او از طریق کلیسای رنج‌کشیده حکومت می‌کند و رنج‌های او را جبران می‌کند. کلیسا به دعا، دعای پروردگار، تکیه می‌کند، مثلاً پادشاهی تو بیاید، اراده تو همانطور که در آسمان است، بر زمین نیز انجام شود. و از طریق آن دعا، همانطور که در بسیاری از سنت‌ها دعا می‌کنیم، من و الین سه یا چهار بار در روز دعا می‌کنیم، پادشاهی تو بیاید، اراده تو انجام شود.

و این پاسخی به دعا است که خداوند پادشاهی خود را و همچنین از طریق شهادت برقرار می‌کند. در آیه سوم، او می‌گوید، قوم تو خود را آزادانه تقدیم خواهند کرد. در اینجا، من فکر می‌کنم منظور از قوم، مردم هستند، همانطور که در جای دیگر، قوم می‌تواند به لشکرها مانند مزمو ۴۴ اشاره کند.

به یاد داشته باشید که این ارتشی است که آنها مردم نامیده‌اند، اما این ارتشی بود که به معبد پناه برد و شکست خورد. و من فکر می‌کنم در اینجا عمدتاً به مردان جوان، جنگجویان جوانی که به نبرد می‌روند، اشاره دارد. و کلمه «آزادانه» کلمه‌ای است که برای یک اراده آزاد، مانند یک پیشکش داوطلبانه، استفاده می‌شود.

این ارتش کاملاً داوطلبانه است. آنها از نظر معنوی تحت تأثیر قرار گرفته‌اند. من می‌گویم، این کلمه اغلب برای کمک‌های داوطلبانه استفاده می‌شود.

آنها اجباری نیستند. بنابراین، آنها به عنوان جنگجویانی فداکار و نترس برای حمایت از پادشاه خود در میدان نبرد معرفی می‌شوند. آنها پادشاه خود را دوست دارند و به او اعتماد دارند و می‌دانند که هدفشان عادلانه است.

و امروز این [مطلب] در شاگردانش یافت می‌شود. ما امروز با شمشیر واقعی نمی‌جنگیم. ما با شمشیر کلام خدا می‌جنگیم.

وظیفه ما ایجاد یک پادشاهی جسمانی نیست. وظیفه ما ایجاد یک پادشاهی معنوی، حکومت خدا و اسب است. و این به نوبه خود بر جهان از نظر سیاسی تأثیر خواهد گذاشت.

این در مورد قوانین جنگ مقدس در تثنیه فصل 20 صادق است. طبق قوانین جنگ مقدس، فقط داوطلبان می‌توانستند بجنگند. هیچ سربازگیری وجود نداشت.

آنگاه افسران، در حالی که کسانی را که برای رفتن به جنگ مناسب نیستند، جدا می‌کنند، خواهند گفت: آیا کسی ترسیده یا ترسو است؟ بگذارید به خانه برود. تا سربازان دیگر دل‌سرد نشوند. این بخشی از قانون جنگ مقدس است.

برای شرکت در جنگ مقدس، باید کاملاً به هدف متعهد باشید و شما یک نذر داوطلبانه هستید. من به این صورت اول قرن‌تین ۱۵:۲۹ را اینجا می‌آورم، جایی که پولس می‌گوید، و در مورد کسانی که برای مردگان تعمید می‌گیرند چه باید بگوییم؟ این توسط فرقه مورمون اشتباه فهمیده شده است که می‌گویند ما می‌توانیم تعمید بگیریم، کسی که تعمید نگرفته است، ما می‌توانیم به جای او تعمید بگیریم. بنابراین، می‌توانیم یک تعمید جایگزین داشته باشیم.

بنابراین، آنها برای مردگان غسل تعمید می‌دهند. بنابراین، شما جای فرد مرده را می‌گیرید. مطمئناً این چیزی نیست که پولس در ذهن داشته باشد.

او درباره رستاخیزی مردگان صحبت می‌کند. اگر رستاخیزی وجود ندارد، پس می‌گوید، اگر رستاخیزی از مردگان وجود ندارد، چرا کسی باید جای شهدا را بگیرد و غسل تعمید را به عنوان شهادت بپذیرد؟ بنابراین، این شهدا در جامعه رسولان به کام مرگ فرو رفتند. کلیسای اولیه به کام مرگ فرو رفت.

آنها شهید شدند. اگر رستاخیزی از مردگان وجود ندارد، چرا کسی باید جای آنها را بگیرد و غسل تعمید بگیرد. تا جایگزین آنها در این ارتش شود؟ پولس می‌گوید این بی‌معنی است. و من این آیه را اینگونه می‌فهمم.

کار huper و ante ، huper من این را در پایان نامه دکترایم در دالاس، جایی که روی دو حرف اضافه کردم، مطرح می‌کنم. هر دوی آنها به معنای «او جان خود را فدای بسیاری کرد» ترجمه شده‌اند و «او برای گناهان ما مرد.» به هر حال، من به آن آیه رسیدم.

فیلیپیان ۲، و پولس از خودش به عنوان یک هدیه نوشیدنی که به عنوان قربانی ریخته می‌شود صحبت می‌کند. و سپس من از مقاله‌ای که اخیراً در وال استریت ژورنال منتشر شده بود نقل قول می‌کنم. و من نظر می‌دهم که جنگ‌ها برد و باخت ندارند.

جنگ‌ها در میدان نبرد پیروز یا شکست نمی‌خورند. آنها در ذهن انسان‌ها پیروز یا شکست می‌خورند. قلم از شمشیر قدرتمندتر است.

وال استریت ژورنال گزارش می‌دهد که پس از بیرون راندن داعش از شهر قبنا در سوریه، این فرمانده کرد گفت: ما فقط به این دلیل زنده ماندیم که به آرمان خود ایمان داشتیم. و بنابراین، آنها کاملاً مطمئن بودند که آرمان آنها، مانند آرمان ما، به خداست که برای آرمان خود به آن اعتماد داریم. این عدالت است و باید پیروز شود.

این ایمانی است که ما داریم که مسیح پیروز است و عدالت پیروز خواهد شد. روز قدرت او روزی است که او آن قدرت را به اجرا در می‌آورد. و من آن را در زمان عروج او می‌دانم، زمانی که روح خود را ریخت و آنها در لباس‌های مقدس پوشیده شدند.

و این است که آنها به عنوان کاهنانی در تقدس و عدالت به تصویر کشیده شده‌اند. بنابراین در اینجا این ارتش قدرتمند را در روزی دارید که مسیح حکومت خود را گسترش می‌دهد، که در پنطیکاست آغاز شد، او روح خود را ریخت، و ارتش او لباس سفید و عدالت و تقدس پوشیده است. و گفته می‌شود که آنها از رحم سپیده دم هستند، یک استعاره فوق‌العاده.

من پیشنهاد می‌کنم که عصر جدید، این ارتش فداکار را به وجود می‌آورد. به طوری که پس از تاریکی عصر قدیم، عصر جدیدی وجود دارد و مانند شب‌نم صبحگاهی است. و در واقع، موضوع هر نسل از کلیسا برای من مانند شب‌نم صبحگاهی است.

من هم وقتی تدریس می‌کردم، همین حس را داشتم. هر سال در ماه سپتامبر، در هفته اول مدرسه، یک کلاس جدید می‌آمد و آنها با همان روحیه می‌آمدند. دانش‌آموزان با همان روحیه و همان ایمان می‌آمدند.

و برای من، آنها مثل شب‌نم صبحگاهی بودند، کمی مرموز. آنها از کجا آمده بودند؟ اما خدا آنها را سال به سال زنده کرد. او همانطور که گفته بود، کلیسای خود را خواهد ساخت.

بنابراین، وقتی به شب‌نم بعد از شب فکر می‌کنم، به منشأ آسمانی آن فکر می‌کنم که در میکاه به کار رفته است، جایی که می‌گوید شب‌نم منتظر انسان نیست، بلکه منتظر خداست. این خداست که شب‌نم را می‌فرستد. این خداست که ارتش خود را برمی‌خیزاند و ما به او وابسته‌ایم.

اینکه وقتی به شب‌نم فکر می‌کنم، هزاران چیز به ذهنم می‌رسد. شب‌نم روی تار عنکبوت را تصور می‌کنم و تصور می‌کنم که هیچ‌وقت یک قطره شب‌نم نداری. همیشه قطره‌های بیشتری داری.

و معمولاً، یک رنگین کمان کوچک هم وجود دارد. به نظر من، این زیبایی خودِ خداوند را منعکس می کند. طراوت بخش است.

من آن را روی شبدر بو می کنم و به دلیل منشأ آسمانی اش مرموز است. می گوید، میکاه، بازماندگان یعقوب در میان بسیاری از مردم مانند شبنم از جانب خداوند، مانند باران بر روی چمن خواهند بود، که منتظر کسی نیستند و به انسان وابسته نیستند. بنابراین، شبنم به انسان وابسته نیست.

شبنم به خدا وابسته است و خدا همیشه کلیسای خود را خواهد ساخت. عیسی قول داد که من کلیسای خود را خواهم ساخت. بنابراین، مهم نیست که چقدر از مسیری که جهان غرب در پیش گرفته دلسرد شویم، می دانیم که خدا همیشه شبنم خود را برای طراوت بخشیدن به زمین خواهد داشت.

و من از اینکه می توانم بخشی از آن شبنم در ارتش خداوند باشم، سرشار از شادی هستم. این لطف اوست که ما را چنین می کند. فکر کردم مناسب است که شعر معروف جویس کیلمر در مورد فلاندرز فیلد را اینجا بیاورم.

مزارع فلاندر، توله سگ های پایین، بین صلیب ها، ردیف به ردیف، که جای ما را مشخص می کنند. و در آسمان، چکاوک هایی که هنوز شجاعانه آواز می خوانند، به ندرت در میان توپ های پایین شنیده می شوند. ما مردگانیم.

چند روز پیش ما زندگی کردیم، سپیده دم را حس کردیم، درخشش غروب خورشید را دیدیم، دوست داشتیم. و دوست داشته شدیم. و حالا در فلاندرز فیلد دراز کشیده ایم. و این بخشی است که من شعر را می خوانم.

نزاع ما با دشمن را ادامه دهید. از دستان ناتوان، مشعل را به سوی شما پرتاب می کنیم تا آن را برافراشته نگه دارید. اگر با ما که می میریم پیمان شکنی کنید، ما نخواهیم خوابید، اگرچه توله سگ ها در مزارع فلاندر بزرگ شوند.

و بنابراین، آنها برای آزادی جان باختند و مشعل را به نسل جدیدی پرتاب می کنند که شاید ما حاضر باشیم، برای آزادی بجنگیم و آنها بیهوده جان نسپرده باشند. اما من از مسیری که کشورمان در پیش گرفته می ترسم همانطور که امروز چشم انداز سیاسی را می بینم، در معرض خطر از دست دادن آزادی هایمان هستیم. با نگاهی به بند دوم، بند با کاهنی ابدی شروع می شود و با پیروزی ابدی پادشاه پایان می یابد.

تو برای همیشه یک کاهن هستی. و او قرار است از نهر بنوشد و در مسیرش به سوی پیروزی از آن استفاده کند. مقدمه با سوگندی که او یاد می کند و نظرش را تغییر نخواهد داد، آغاز می شود.

بین پیشگویی و وعده و سوگند تفاوت وجود دارد. اغلب گفته می شود که اگر خدا چیزی را وعده دهد، اگر خدا چیزی را پیشگویی کند، مطمئناً به وقوع خواهد پیوست. این لزوماً درست نیست.

شما در موعظه ارمیا در معبد، در باب ۱۸ ارمیا، الگویی برای پیشگویی دارید که در آن خدا می گوید، اگر من خوبی را پیشگویی کنم و مردم بدی کنند، خوبی به وقوع نخواهد پیوست. اگر من بدی را پیشگویی کنم و مردم خوبی کنند، بدی به وقوع نخواهد پیوست. خدا هرگز از قانون اخلاقی خود تخطی نمی کند.

نبوت همیشه به رفتار مردم وابسته است. بنابراین، همیشه فرصتی برای توبه یا ارتداد وجود دارد. بنابراین، نبوت همیشه مشروط به واکنش انسان به نبوت و نیت نبوت در مورد داوری است.

خب، این را نمی‌گویند، اما هدف آن این است که توبه را به ارمغان بیاورد. بنابراین، برای مثال، وقتی میکاه پیشگویی کرد که صهیون مانند یک مزرعه شخم زده و کاملاً نابود خواهد شد، واکنش درست از سوی حزقیا بود. او توبه کرد و از عذاب الهی جلوگیری کرد.

میکاه هرگز دعوت به توبه نکرد. این یک فرض بود، یک فرض که اگر خدا داوری را پیشگویی کند، این برداشت می‌شد که اگر توبه کنید، آن داوری اتفاق نخواهد افتاد. آنها همین را در مورد یونس دارند، که یونس ۴۰ روز موعظه کرد و نینوا نابود خواهد شد.

اما او نمی‌خواست برود، زیرا می‌دانست اگر مردم توبه کنند، داوری نخواهد آمد. این یک پیش‌فرض بود. این فرضی از متون نبوی است که همیشه مشروط است.

اما وقتی خدا قسم می‌خورد، دیگر قابل فسخ نیست. این موضوع به زیبایی توسط ریچارد پرات شرح داده شده است. من در آنجا به کتابشناسی او استناد می‌کنم.

این در مقالاتی است که با لطف فراوان به افتخار من در راه خرد نوشته شده است. بنابراین، او یک مقاله کامل در مورد مشروط بودن نبوت و نامشروط بودن سوگندها دارد. بنابراین، این یک سوگند است و او برای همیشه کاهنی مانند ملک‌یصداق خواهد بود، و تغییر نخواهد کرد.

البته کاهن کسی بود که واسطه حکومت بین خدا و مردم و مردم در خدا بود. پس از این تلاوت که خداوند می‌گوید، تو برای همیشه کاهن هستی مانند ملک‌یصداق و آنچه در همه اینها دخیل است. این کاهنی است که مقدم بر کاهنی هارونی است.

این کهنات ابدی است. و بنابراین، عیسی مانند کهنات ابدی ملک‌یصداق است. اما من وقت ندارم که آن را بسط دهم.

این کتاب عبرانیان است و من باید از آن بگذرم. اما حالا ما تأملات پیامبر را داریم. خداوند در دست راست شماست.

و کلمه «خداوند» اکنون با کلمه «خداوند» در آیه اول متفاوت است. در آیه اول، این یهوه است که به آدونای، سرورم، می‌گوید. اما حالا وقتی در آیه چهارم گفته می‌شود که خداوند قسم خورده است، منظور خداوند است.

و اکنون خداوند در دست راست توست. این هم باید با حروف بزرگ نوشته شود. این کلمه آدونای است که به خدا به عنوان پروردگار همه اشاره دارد.

پایان کلمه «ی» «به معنای کامل کلمه است. او پروردگار همه است. و او در دست راست توست، که جایگاه قدرت است.

او در روز انتقامی که از آن صحبت می‌کردیم، پادشاهان را در هم خواهد شکست. پادشاه در میان ملت‌ها داوری خواهد کرد. به نظر من، مسیح، زمین و ملت‌ها را داوری خواهد کرد.

او دره را از اجساد پر خواهد کرد. تأکید بر مجازات ملت‌ها توسط او است که در آمدن دوم او محقق می‌شود. و سپس می‌گوید که او سر را بر روی زمین پهن‌آور خواهد شکست.

می‌تواند اشاره به شیطان باشد، هرچند من اینطور فکر نمی‌کنم. فکر می‌کنم یک فعل جمع مفرد است و به حاکمان زمین اشاره دارد. او از نهر کناری خواهد نوشید، یعنی پیروزی خود را کامل خواهد کرد.

نهر کلمه عبری برای وادی است. و این تصویر دلالت بر این دارد که حتی در مناطق بیابانی زمین پهناور خداوند مقدار زیادی آب برای مسیح فراهم خواهد کرد تا تشنگی او را فرو نشاند و او را سیراب کند تا بتواند مأموریت خود را به پایان برساند. بنابراین او قرار است از وادی پر از آب جوشان بنوشد تا بتواند کار را به پایان برساند.

او این کار را در طول مسیر انجام خواهد داد، همانطور که پیش می‌رود و پیروزمندانه در فتح جهانی خود پیش می‌رود. او در طول مسیرش مشروب خواهد نوشید، و تصویر این است که او یک استراحت کوتاه می‌کند تا خود را تازه کند. بنابراین، من می‌نویسم، نه بیابان و نه خستگی او را در اشتیاقش برای پایان دادن به استبداد متوقف نخواهد کرد.

و من از لیوی، مورخ رومی، نقل قول می‌کنم، وحشت نام روم چنان خواهد بود که وقتی ارتش روم شهری را محاصره کند، هیچ چیز آن را تکان نخواهد داد، نه سختی زمستان، نه خستگی ماه‌ها و سال‌ها، که پایانی جز پیروزی نمی‌شناسد و آماده است. اگر یک ضربه سریع و ناگهانی جواب ندهد، تا رسیدن به پیروزی مقاومت خواهد کرد. و این تصویر این پادشاه است.

او در مسیرش برای برقراری پادشاهی خدا تا اقصی نقاط زمین، شراب خواهد نوشید. به نظر من، این تصویر استعاره‌ای عظیم، از پادشاهی است که تجدید قوا می‌کند و تا انتها، صرف نظر از هر سختی که از او خواسته شود، آن را دنبال می‌کند. بنابراین، و سپس در پایان، سرش را بالا می‌گیرد، که نشانه‌ای از پیروزی اوست.

خب، این هم مزمور ۱۱۰، یکی دیگر از آیین‌های تاجگذاری باشکوه.

این دکتر بروس والتکه در حال تدریس کتاب مزامیر است. این جلسه شماره ۲۲، رویکرد عبادی، مزمور تاجگذاری، مزمور ۱۱۰ است.